

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

داکتر اجرالدین حشمت



از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

محمد ولی خان دروازی :

او فرزند ابوالفیض خان دروازی است که زمان و مکان تولد و دوران طفولیتش هنوز تاریک و مجهول است، اما فقط تاریخ زندگی او از آن شباب که در قطار غلام بچه های دربار امیر حبیب الله خان به حیث «سر جماعه» قرار گرفت، روشن است. او شخص دانا، هوشیار و زیرک بود و به زودترین فرصت بعد از شمولیت در دربار موقوف خود را در بین ملازمین و غلام بچه های دربار استوار ساخت و به شخص شاه و درباریان خود را نزد بکتر نمود.

سید مهدی فرخ وزیر مختار ایران در دربار کابل در زمان سلطنت امان الله خان محمد ولی خان را چنین معرفی مینماید :

« آقای محمد ولی خان پسر ابوالفیض خان دروازی است و جزء مهاجرین افغانستان و در موقع سلطه روس ها به خاک پامیر، پدر و عمش از مؤمنان اصلی (درواز) هجرت کرده به کابل آمدند و محمد ولی خان در سلك غلام بچه های عبدالرحمان خان منسلک گردید و از زمان امیر حبیب الله خان به ریاست غلام بچه گان و خزانه داری عین المال با مقرری سال يك هزار روپیه منصوب شد ... محمد ولی خان در امر سیاسی از تمام رجال افغانستان اعلم و موقع شناس و مآل اندیشتر بود. او به واسطه رقابت با محمد نادری خان پارتی مخصوص دارد و خیلی مراقب است که حتی المقدور محمد نادری خان را از افغانستان دور و اگر میسر نشود اقل از کار خارج نگاه دارد. محمد ولی خان با تمدن جدید موافق و مخالف نفوذ روحانیون است. »

اما طوریکه اسناد و مدارك نشان میدهند و اشخاص و افراد معمر حکایه مینمایند، محمد ولی خان سیاست مدار ورزیده، دیپلمات دراك، نظامی با انضباط و صاحب بینش اجتماعی و شخصیت اداری بود. در دوره سلطنت امیر حبیب الله خان که تضاد های اجتماعی و اقتصادی به نقطه حاد رسیده بود و گروه سری و مخفی علیه رفع مظالم، استبداد و به خاطر حصول استقلال و بالاخره تغییر شرایط قرون وسطایی در جهت ترقی و پیشرفت فعال بودند. محمد ولی خان عضویت «جمعیت سری دربار» را داشت و جمعیت مذکور به اثر تلاش و مساعی امان الله خان عین الدوله ایجاد و خاندان شاه آغاسی بارکزیایی، علیا حضرت سرور السلطان سراج الخواتین مادرش و افراد خاندان سپه سالار غلام حیدرخان چرخیی اعنی غلام نبی خان، غلام جیلانی خان پسران چرخیی و دیگران نیز به آن گروه بستگی داشته اند. (۱۴۶)

تاریخ دقیق بنیان گذاری و مرامهای تحریری این جمعیت نسبت اختناق شدید و شرایط استبدادی ثبت نشده است (ویا تا اکنون به دسترس نویسندگان قرار نگرفته اند) اما به صورت عموم اعضای این جمعیت نیز مرامهای مشروطه خواهان را تعقیب میکردند.

طوریکه قبلاً تذکر رفت در ترکیب این جمعیت افراد خاندان شاهی، ارستوکرات ها، ملازمین دربار و حتی عده افراد معلوم الحال با پلان مشخص نیز نفوذ کرده بودند. شاد روان غبار اعضای مهم جمعیت فوق الذکر را چنین معرفی مینماید: «امان الله خان عین الدوله (رئیس جمعیت)، محمد ولی خان بدخشانی سرجماعه دربار، شجاع الدوله خان غوربندی فرا شیباشی دربار، حضرت شوربا زار (فضل محمد خان مجددی ملقب به شمس المشایخ) که در ولایت پکتیا و کابل نفوذ وسیع روحانی داشته، در افغانستان شهرت داشت، محمد نادر خان سپه سالار قوای مسلح پایتخت (خانواده شمس المشایخ و سپه سالار هر دو به شکل غیر مستقیم وابسته این جمعیت بودند)، میرزمان خان بدخشانی، محمد یعقوب خان غلام بچه خاص شاه، محمد سمیع خان برادر محمد یعقوب خان مذکور، محمد ابراهیم فرا شیباشی امان الله خان و عبدالعزیز خان سارجن میجر. البته افراد دیگری نیز بودند که در خارج جمعیت با امان الله خان روابط خصوصی داشتند چون محمود طرزی و محمود سامی و غیره.» به هر حال شمس المشایخ و محمدنادر خان اشخاص ساده و خالی از ادعا نبودند، چه اگر کارنامه های آنها عمیقاً ارزیابی شود، اثرات قابل ملاحظه در سراسر نهضت مشروطه از خود به جا گذاشتند.

محمد ولی خان در روزی تا آخرین لحظات حصول مرام مشترك، وفادار به همین جمعیت و شخص امان الله خان عین الدوله بود چنانچه آثار کتبی و قصه های شفاهی اشخاص معاصر عصر مشروطه نشان میدهند که هیچ کارمند و سیاست مدار آن دوره در امر بنیان گذاری، اشتها و معرفی افغانستان به جهان خارج و بالاخره سهم گیری و مساعی ابتکاری در تطبیق پلان های اصلاحی، با محمد ولی خان دروازی قابل مقایسه نیست. مشارالیه به مجرد استقرار دولت مشروطه به حیث سفیر سیار افغانستان در رأس هیئت افغانی از طریق تاشکند به مسکو (دهم اکتوبر ۱۹۱۹) و از آنجا به اروپا سفر نمود. در مسکو علاوه از ملاقات ها با سران و لیبران انقلاب ۱۹۱۷ م شوروی با بنیان گذاران آن کشور - لنین (۱۱ اکتوبر) ملاقات داشت و روابط سیاسی دولت نوبنیاد افغانستان را با دولت شوروی مستحکم نمود که سرانجام در اثر همین تلاش های دیپلوماتیک در ۲۸ فیوروری ۱۹۲۱ نخستین معاهده دوستی و مؤدت توسط دولتین به امضاء رسید.

(۱۴۷)

در هنگامیکه دولت شوروی (۲ مارچ ۱۹۱۹ م) استقلال افغانستان را به رسمیت میشناخت، لنین در مورد محمد ولی خان دروازی چنین گفت: «افغانستان این چنین شخصیت های فهیم و کاردان دارد که توانستند استقلال خود را از بریتانیا عظمی حاصل نمایند.» (۱۴۸)

محمد ولی خان بعد از سفر مسکو عازم اروپا و آمریکا شد و افغانستان را از طریق مذاکرات با وزرای خارجه و زعمای کشورهای جهان معرفی نمود. او بعد از سفر طولانی به کشورهای فوق الذکر به تاریخ یازده جوزا (۱۳۰۱ هـ) مطابق دوازدهم می ۱۹۲۲ م به کابل برگشت. (۱۴۹) امان الله شاه شخصاً از مساعی دو مدار، زحمات و موفقیت های او در این سفر اظهار سپاس نمود و مشارالیه را به عوض محمود طرزی به حیث وزیر خارجه برگزید و متعاقباً نظر به اعتباریکه محمد ولی خان نزد شاه داشت در شورش ۱۳۰۳ هـ پکتیا به حیث قومندان محاذ جنوبی گماشته شد که از عهده آن نیز موفقانه بدر آمد.

محمد ولی خان در ۱۳۰۶ هـ (۱۹۲۷ م) در سفر هفت ماهه اعلیحضرت امان الله خان به حیث کفیل وزارت خارجه و وکیل مقام سلطنت اجرای وظیفه می نمود که در همین وقت حریفانش او را متهم به اقدامات مخالف سلطنت و ایجاد جمهوریت نمودند.

محمد ولی خان سیاست مدار مدبر و دیپلمات خیلی زیرک و هوشیار بود، چنانچه از قول مسعود پوهنیار به سلسله همان ما موریت سیاریکه به لندن عزیزت نمود، در آنجا وزیر مستعمرات انگلستان میخواست جهت معرفی او به کرزن - وزیر خارجه او را همراهی نماید، اما محمد ولی خان قبول نکرده گفت: حاضر است باریک کاتب وزارت خارجه نزد کرزن برود نه با وزیر مستعمرات، و الا بدون آن ملاقات از انگلستان خارج میشود. بالاخره بعد از چند روز تعلق، او را توسط رییس تشریفات وزارت خارجه نزد وزیر خارجه انگلستان بردند. (۱۵۰)

محمد ولی خان ارتباط و قرابت با خاندان سلطنتی داشت، بدین معنی که دختر خاله سراج الخواتین صبیبه فقیر محمد خان شاه آغاسی در حباله نکاح محمد ولی خان بود (۱۵۱) و اخیر الذکر در وقایع جلوس امان الله خان فعالیت شایان نمود. (۱۵۲)

محمد ولی خان - شخص امین، حلیم، متین، آرام، با پرئسیپ و کم ادعا بود. هیچ نوع اسناد و مدارک تا اکنون وجود ندارد که دال به تصاحب تاج و تخت از جانب او باشد. قبل از استقرار دولت مشروطه تمام فعالیت های سیاسی اش منحصر به مراسم های «جمعیت سری دربار» بود و طوریکه مدارک گواهی میدهد، در عهد دولت مشروطه هم در صد تشکیل حزب سیاسی انفرادی با پروگرام مشخص به خاطر حمله از عقب بالای امان الله شاه نبود.

محترم فضل غنی مجد دی یگانه نویسنده ای است که محمد ولی خان را صاحب تنظیم نیرومند با پروگرام وسیع سیاسی معرفی نموده و حتی او را «در تقویه حبیب الله خان کلکانی دیدخل میداند.» نکته در خور توجه این است که محمد نا درخان هم مشارالیه را به اتهام همکاری با حبیب الله خان و خیانت به امان الله خان محاکمه نمود که به اساس حکم همین محاکمه تصنعی نخست محکوم به هشت سال حبس و متعاقباً به اسرع وقت بدون تمسک قانونی و حکم محکمه اعدام گردید. جهت وضاحت بیشتر موضوع به عبارات خود آقای مجد دی توجه فرمایید:

«تنظیم محمد ولی خان از منظم ترین تنظیمات آنوقت به حساب می آمد پروگرام سیاسی تنظیم شبه سوسیال دموکرات امروزی بود. مشکلات تنظیم محمولی خان زیاد بود و در داخل به سه دسته تقسیم می شد

(مشروطه خواهان، جمهوری خواهان و سوسیالیست ها) و هر سه دسته از خود زعیم سیاسی شناخته شده داشت. همکاری این گروه با امان الله خان قبل از شهادت امیر حبیب الله خان و بعد از شهادت وی و باز تأیید اعضای گروه از اصلاحات امان الله خان در میدان سیاسی و پارلمانی و اجتماعی در نفوذ و قوت اعضای گروه افزود. روابط بین گروه محمد ولی خان و امان الله خان در نتیجه سیاست مستقلانه امان الله خان و عدم اشتراك دادن دیگران در نظام حکومت برهم خورد فلذا اعضای گروه در فکر انقلاب علیه امان الله خان و تعیین محمد ولی خان در رأس دولت شدند. لیکن گروه محمد ولی خان در نتیجه دلایل سه گانه نتوانست به تنهایی کاری انجام بدهد. «(۱۵۳) شکی نیست که محمد ولی خان از جمله مشروطه خواهان داخل حلقه دربار بود و در بنیان گذاری دولت مشروطه و معرفی آن به جهان خارج تلاش و مساعی فراوان به خرج داد و به مقامهای رفیع و پر مسؤولیت دولتی: ملکی و نظامی گماشته شد و به حسن صورت از عهد آنها بدر آمد، اما در مورد «قویترین تنظیم» او به خصوص در عصر امیر حبیب الله خان شواهد و مدارک کتبی تا فعلا دیده نشده است و حتی شاد روان غبار که در نفس حوادث مشروطه دوم و دولت مشروطه قرار داشت و عضویت حلقه سیاسی «حزب جوانان افغان» را دارا بود از وجود چنین تنظیمی نه در عهد سلطنت امان الله شاه و نه قبل از آن تذکر داده است.

طوریکه ملاحظه میشود در سالهای اخیر دولت مشروطه، امان الله خان متوسل به يك سلسله اقدامات شد که نه تنها عاقبت ناگواری در بر داشت بلکه بهترین دوستان و همکاران نزدیک خود را از دست داد و کابینه او هم به فرکسیونهای متعدد منقسم گردید، گروه بندیهای مختلف به وجود آمد و امان الله خان روز تا روز در حالت انزوا و تجرید قرار میگرفت. طبعاً محمد ولی خان هم بعد از گذشتن از مقامات بلند دولتی دوستان و همکارانی داشت که به عقیده نویسندۀ این سطور، تعبیر آنهمه ارتباطات وسیع اجتماعی او که گویا به «فکر انقلاب علیه امان الله خان» و یا «همکاری با حبیب الله کلکانی» بدون ارائه اسناد موثق قبل از وقت خواهد بود. برای روشن شدن این موضوع بهتر خواهد بود به مصاحبه شخصی محمد ولی خان مندرجه «ظهور مشروطیت و قربانیا ن استبداد در افغانستان» را بامیر صاحب سید قاسم خان که از صاحب نظران جنبش مشروطه است و در آن زمان به حیث کفیل سرمنشی در دارالتحریر شاهی ایفای وظیفه می نمود، مراجعه نماییم. میر صاحب صحبت خود را چنین آغاز مینماید:

«چون در سنه ۱۳۰۶ هـ (۱۹۲۷ م) امان الله خان عزم سفر اروپا کرد، وی (محمد ولی خان) به حیث کفیل وزارت خارجه و وکیل مقام سلطنت باقی ماند که متهم به مخالفت رژیم و تهیه مقدمات جمهوریّت بوده است ... میر صاحب این افواه را تردید کرده علاوه نمود که او در ماه سنبله ۱۳۰۸ هـ (۱۹۲۹ م) بعد از رهایی از حبس ارگ (در دوران سلطنت حبیب الله کلکانی) يك روز برای دیدن محمد ولی خان به منزلش رفت و در ضمن صحبت در باره آن افواه از او جویا شد. محمد ولی خان گفت میر صاحب! شما میدانید که غیر از يك پشتون با پشتیوانه بسیار قوی خاندانی یا قومی دیگر کسی در افغانستان پادشاهی کرده نمیتواند. شما خواهید دید که بچه سقا و امروز یا فردا از این صحنه برداشته خواهد شد. لذا يك شخص بدخشانی مثل من بدون يك پشت و پناه چگونه میتواند برای احراز سلطنت تشبث ورزد.»

با تمسك به مصاحبه فوق و بررسی مدارک و اسناد گفته میتوانیم که چنین اظهارات و قضاوت ها در مورد محمد ولی خان تا هنوز صرف افواه است، بهتر است منتظر آشکار شدن اسناد و مدارک بیشتر باشیم تا به اساس آنها در مورد کار و پیکار این مشروطه خواه نستوه قضاوت نماییم. (۱۵۴)

محمد ولی خان با آن ظرفیت سیاسی و اداری اش در ۲۴ سنبله ۱۳۱۲ هـ (۱۹۳۳ م) بدون علت و دلیل با پنج نفر از بهترین آزادخواهان، دگراندیشان و مشروطه خواهان کشور اعی: جنرال غلام جیلانی خان چرخ، جنرال شبرمحمد خان چرخ، خواجه هدایت الله خان، فقیرمحمد خان و مرزا محمد مهدی خان به امر محمد نادر خان در حویلی محبس دهمزنگ به دار آویخته شدند. (۱۵۵)

نکته در خور توجه آنست که محمد ولیخان دروازی گویا به جرم خیانت به امان الله خان اولاً محکوم به حبس و بعداً اعدام گردید. اعلیحضرت امان الله شاه همزمان به جریان محاکمه او تلگرامی مبنی به بیگناهی و صداقت او در برابر دولت امانی و شخص شاه، عنوانی محمد نادرخان به کابل فرستاد که نه آن متن شامل دوسیه متهم گردید و نه در نشرات آندوره به چاپ رسید. بهتر خواهد بود تا خواننده محترم گفتار خود شاه امان الله را که از مقاله فوق الذکر نویسنده و مؤرخ کشور سیستانی اقتباس گردیده، بخواند: «سردار مذکور (کبیرالله سراج) در مورد محمد ولی خان دروازی وکیل مقام سلطنت در غیاب شاه امان الله به نکته مهمی اشاره کرده گفتند: در سال ۱۹۵۲م من به دیدن کاکایم اعلیحضرت شاه امان الله به سویس رفتم و روزی در مورد محمد ولیخان صحبت به میان آمد. اعلیحضرت مرحوم گفتند که محمد ولیخان شخصی صادق و نسبت به من مرتکب خیانت نشده بود و اگر میشد من دخترم را به پسر او نمی دادم. شاه متذکر شدند که من طی تلگرامی عنوانی نادرشاه به بیگناهی محمد ولیخان گواهی دادم، اما او را به جرم خیانت به من (شاه امان الله) محکوم به اعدام ساختند، در حالیکه خود نادر شاه سلطنت را به نام من گرفت و بعد آنرا غضب کرد. بنابراین اگر بناء بود کسی به جرم خیانت به من محکمه گردد، بایستی شخص نادرشاه محاکمه میشد نه کسی دیگری.»

خواننده محترم میتواند مناعت نفس، استواری، بزرگ منشی و همت والای محمد ولی خان دروازی را در آخرین لحظات زندگی و آخرین کلماتش در زیر چوبه دار از قول شاد روان غبار ارزیا بی نماید: «سید شریف سریاور نظامی شاه در زیر دار به محمد ولی خان تکلیف کرد که خودش ریسمان را به گردنش اندازد، محمد ولی خان استنکاف کرد و گفت: به نادر خان بگوید که آمده ریسمان را به گردنم اندازد. سید شریف با یک حرکت وحشیانه پیش شد و گفت من این ریسمان را به گردن نمی اندازم و هم انداخت. محمد ولی خان باز گفت: به نادر خان بگوید که اگر تو هزار آدم مثل مرا بکشی باز هم روزی رسیدنی است که ملت افغانستان ما هیت اصلی ترا خواهند شناخت و حساب خود را خواهند گرفت.»

روانش شاد و خاطر هاش جاودان باد!

آن عده از هموطنانی که خواسته باشند کتاب را خرید نمایند می توانند به آدرس ذیل تماس بگیرند:

Dr. Ajruddin Hashmat
97 Forest Heights Str.
Whitby, Ont. L1R 1x7. Canada
Tel (905) 665-8767